

رمالی که دزد از آب درآمد

23 آذر 1401

نسخه مرد رمال برای نجات زن جوان از مشکلات خانوادگی اش نه تنها گره‌ای از کار او باز نکرد بلکه باعث شد طلاهایش نیز به سرقت برود.

به گزارش «ایران»، چند روز قبل، زن میانسالی همراه دخترش وارد خانه‌شان در یکی از مناطق شمالی تهران شدند اما با دیدن به‌هم‌ریختگی خانه و سرقت وسایل و در ورودی بالکن که شکسته شده بود شوکه شده و بلافاصله با پلیس تماس گرفتند.

در تحقیقات اولیه مأموران از آنها خواستند چنانچه به کسی شک دارند، معرفی کنند که دختر جوان گفت: هنوز یک سال نمی‌شود که ازدواج کرده‌ام، اوایل زندگی خوبی داشتم اما نمی‌دانم چه شد که اختلافاتم با همسرم روزبه‌روز بیشتر شد. از این موضوع خیلی ناراحت بودم.

در این میان یکی از دوستانم پیشنهاد داد که برای حل مشکل به رمال مراجعه کنم. مرد رمال پول زیادی از من گرفت و مدعی بود که طلسم شده‌ام و ارواح خانه‌ام را محاصره کرده‌اند. به من گفت باید فلزاتی مثل طلا و نقره را از خانه خارج کنم. من هم به پیشنهاد مرد رمال، طلاها و مقداری نقره که داشتم به خانه مادرم بردم. دیشب مادرم در خانه من میهمان بود و صبح امروز زمانی که او را به خانه رساندم، متوجه سرقت طلاها و وسایل نفیس خانه شدم.

با شکایت زن جوان و مادرش، تحقیقات آغاز شد و در بررسی‌های اولیه این احتمال می‌رفت که مرد رمال در سرقت دست دارد. اما پس از بازداشت مرد رمال و مدارک به‌دست آمده مشخص شد که در این ماجرا نقشی ندارد. همزمان کارآگاهان به بازبینی دوربین‌ها پرداختند و تصاویر گرفته شده نشان می‌داد که دو مرد نقابدار از طریق بالکن وارد خانه شده و سرقتشان را اجرا کرده‌اند.

در حالی که تحقیقات برای شناسایی سارقان ادامه داشت، مأموران گشت کلانتری به خودروی پرابدی مشکوک شدند که پلاک آن نشان می‌داد خودرو به سرقت رفته است.

مأموران در یک عملیات تعقیب و گریز در نهایت متهمان را دستگیر کردند و در بازرسی از خودروی پرابدی، مقداری وسایل سرقتی کشف شد. در ادامه تحقیقات دو پسر جوان به سرقت‌های سریالی از خانه‌ها اعتراف کردند و مشخص شد آنها همان سارقان خانه زن میانسال هستند. با اعتراف دو متهم جوان به سرقت‌های سریالی از خانه‌های پایتخت، تحقیقات برای شناسایی سایر مالباختگان احتمالی ادامه دارد.

گفت‌وگو با سردسته باند

جمشید، نه تنها به خاطر سرقت بلکه به خاطر شرکت در نزاعی که منجر به آسیب شدید و پرداخت دیه شده بود، به زندان افتاده است. اما زندان به خاطر **دیه** باعث شد که به قول خودش دور کار خلاف را خط بکشد، تا اینکه وسوسه دختر عمویش پای او را بار دیگر به خلاف باز کرد. چه شد که تصمیم به سرقت گرفت؟

اشتباه کردم، توبه‌ام را شکستم. یکی از بستگانم خواست که از خانه زن میانسال سرقت کنم، من هم در این کار تبحر داشتم اما به خاطر توبه‌ای که کرده بودم دلم نمی‌خواست این کار را انجام دهم. من سارق حرفه‌ای خانه بودم. اما حدود 5 سال قبل، متوجه شدم پسر جوانی برای دختر مورد علاقه‌ام مزاحمت ایجاد می‌کند، خواستم از او زهر چشم بگیرم. با چاقو سراغ پسر جوان رفتم اما در این ماجرا زخمی شد و من به زندان افتادم.

به خاطر اینکه نمی‌توانستم دیه را بدهم زمان زیادی پشت میله‌های زندان ماندم و چون در این مدت خانواده‌ام خیلی اذیت شدند و برای گرفتن رضایت و تهیه پول دیه به سختی زیادی دچار شدند با خودم عهد کردم که دور کار خلاف را خط بکشم.

چرا توبه‌ات را شکستی؟

شاکی این پرونده از دوستان دختر عمویم بود. او در جمع دوستانه‌ای از ماجرای رمال و فالگیری و اینکه طلاهایش را به خانه مادرش برده تعریف کرده بود و دختر عمویم نیز در آن جمع بود. از آنجا که مادر شاکی تنها زندگی می‌کرد، دختر عمویم پیشنهاد سرقت از خانه او را مطرح کرد و گفت کلی پول گیرمان می‌آید. دختر عمویم اطلاعات کامل از دوستش داشت و یک شب که مادر دوستش در خانه دخترش میهمان بود به من گفت که سرقت را انجام دهم. من هم با همدستی یکی از دوستانم وارد خانه شده و سرقت را انجام دادیم. اما بعد از آن شب، دوباره سرقت‌هایم را شروع کردم.